



## شماره ثبت: ۳۱۸۳

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

تولی من قبل الجائر.....	۲
مرور بر گذشته.....	۲
نظر آیت الله خمینی (ره) درباره تولی من قبل الجائر.....	۲
مقدمات.....	۳
نتیجه.....	۳
نکات موجود در نظریه امام (ره).....	۴
۱. تفاوت اعمال سلطنت با تولی.....	۴
۲. سلسله مراتب پایین حکومت خارج از ادله عامه.....	۴
نکات اخلاقی.....	۵
شیطان دشمن شماره یک انسان.....	۵
شیطان شناسی در قرآن.....	۵



## تولی من قبل الجائر

### مرور بر گذشته

در مقدمه ورود بحث تولی از قبل جائر و ظالم عرض کردیم، زنجیره‌ای از احکام و روایات وجود دارد که با حکومت جائر مبارزه می‌کند. این احکام زنجیره‌ای از احکام سیاسی اسلام است. مثل محبت، کمک کردن، داخل شدن در سیستم آن‌ها و ... مجموعه و زنجیره‌ی فقه سیاسی اسلام است.

معونة الظالم و تولی من قبل الجائر یکی از مباحث مهم فقه سیاسی در ذیل مبارزه منفی با دستگاه ظلم است.

در جلسات قبل ادله، مفاد، جمع‌بندی و فروع آن را بررسی کردیم. در اینجا بازگشتی به ادله می‌کنیم.

## نظر آیت‌الله خمینی (ره) درباره تولی من قبل الجائر

در ادله از روایات عامه و خاصه استفاده کردیم. امام (ره) در مکاسب برخلاف مبحث اعانة الظالم که ایشان نظری نداشتند، در بحث تولی نظریه و دلیل مهمی دارند.

نظر ایشان این است که بدون استفاده از ادله چگونه می‌توانیم بحث را بررسی کنیم. یعنی از قواعد اولیه فقه و فلسفه سیاسی اسلام چگونه این مبحث را بررسی می‌کردیم.

امام (ره) فرمودند که می‌شود از قواعد اولیه، با نادیده گرفتن آیات و روایات، حرمت تولی من قبل الجائر را اثبات کرده‌اند.

مطلب امام مبتنی بر چند مقدمه است:



## شماره ثبت: ۳۱۸۳

### مقدمات

۱. اولین مقدمه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»<sup>۱</sup> است. در فلسفه سیاسی اسلام که پشتوانه فقه سیاسی اسلام است، حاکمیت و تصرف در امور اجتماعی حق خداوند است. اگر این آیه نیز وجود نداشت، حکم عقل صدق می‌کرد. حاکمیت تکوینی در حکم عقل، مقتضی یک حاکمیت تشریعی است. این از احکام مستقل عقلی است. در نظام تکوین هر چه هست از آن خداوند است.

۲. عقل حکم می‌کند که هر تصرفی در عالم با اجازه خداوند خواهد بود. یعنی نباید منع الهی در آن امور باشد. مقصود از «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» این است که حکومت با اجازه‌ی خداوند باید باشد.

۳. در عصر حضور این نکته را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این دوره، خداوند اذن حکومت را به پیامبران (علیهم‌السلام) داده است.

مبنای مشروعیت حکومت، خداوند است. خداوند نیز این مشروعیت را به پیامبر (ص) و ائمه طاهرين (علیهم‌السلام) داده‌اند.

### نتیجه

با توجه به این مقدمات حضرت امام (ره) می‌فرمایند: اگر این مقدمات را بپذیریم، کسی که می‌خواهد مکلف حکومت بشود، یا باید از طرف خداوند باشد (امامان و پیامبران) یا اینکه کسانی باشند که امامان و پیامبران به آن‌ها اجازه داده‌اند. اگر کسی این حکومت را غصب کرد؛ کسی که در رأس وجود دارد تصرف در سلطان غیر می‌کند. این حکم عقلی مستقلی است که حرام است. اگر کسی جای پیامبر (ص) و امامان (علیهم‌السلام) بنشیند، غصب کرده است.

اگر کسی تولی و پذیرش ولایت و مسئولیت بر عهده بگیرد، از کسی که مشروعیت ندارد، کسی که این را می‌پذیرد، تصرف در حکومت کرده است، که همان تصرف در سلطنت غیر است.

تصرف در این نوع، مثل تصرف در نفس یا مال دیگری است.

<sup>۱</sup> انعام، آیه ۵۷



## نکات موجود در نظریه امام (ره)

### ۱. تفاوت اعمال سلطنت با تولی

تصرف در سلطنت غیر و حاکمیت امام (ع)، رأس و قاعده را می‌گیرد. اما پذیرش مسئولیت در این دلیل وجود ندارد. چیزی که از دلیل بیرون می‌آید، تصرف در سلطنت حرام است نه اینکه تولی از قبل آن حرام باشد. نتیجه‌ی این نکته این است که قاعده‌ی اولیه این است که تولی حرام است، منتها نتیجه قاعده اولیه با حرمت تولی، تفاوت‌هایی دارد.

تفاوتشان این است که قاعده اولیه که مستند به مبانی کلی است، می‌گوید تصرف رأس هرم یا قاعده هرم، حرام است. اما ادله‌ی تولی چیزی فراتر از این را بیان می‌کند. حتی در جایی که کسی مسئولیت را بپذیرد ولی اعمال و فعلی نداشته باشد را نیز حرام می‌داند. عنوان تولی تعابیری چون دخول در سلطان و ... داشت.

در نتیجه ادله خاصه، روی پذیرش و اعمال قدرت و سلطنت شمول دارد. قاعده عامه فقط حاکمیت عملی را شامل می‌شود و پذیرش را شامل نمی‌شود. این دو عنوان باهم متفاوت هستند. یکی عنوان تولی و دیگری اعمال سلطنت دارد. امام (ره) در اینجا می‌فرماید که این دو، دو عنوان مختلف است.

### ۲. سلسله‌مراتب پایین حکومت خارج از ادله عامه

نکته دوم این است که از جهت دیگری ادله تولی با این ادله متفاوت است. ایشان می‌فرمایند این ادله تمام سلسله‌مراتب را شامل نمی‌شود. مثلاً کسی کارمند فلان وزارتخانه است. این قاعده عامه، تصرف در حاکمیت اشکال دارد و تمام مراتب را شامل نمی‌شود. در مراتبی برجسته‌ای که نوعی حاکمیت سلطنت است را شامل می‌شود. قاعده تجلی از قبل جائر تمام درجات و مراتب را شامل می‌شد.

مهم بودن این ادله این است که بدون در نظر گرفت آیات و روایات و از لحاظ عقلی استدلال می‌کند که حرمت دارد، ولی از دو جهت خاص است. یکی اینکه عنوان تولی نیست، و عنوان تصرف حاکمیت است. نکته دیگر این است که در امتداد هر نوع فعالیت در دستگاه ظلم را شامل نمی‌شود بلکه فقط فعالیت‌های مهم را شامل می‌شود.



## نکات اخلاقی

### شیطان دشمن شماره یک انسان

ما در مقام تهذیب اخلاق، به مسئله‌ی دشمن‌شناسی توجه می‌کنیم. از مهم‌ترین دشمنان ما که به اذن خداوند برای آزمایش ما قرار داده شده، شیطان است. وقتی در بحث شیطان به آیات نگاه می‌کنیم، بیش از صد آیه به آن اشاره دارد. خداوند اجازه تصرف در انسان را به شیطان داده است. اگر کسی از این دشمن شرور غافل باشد، حتماً زمین می‌خورد. اگر به آیات توجه کنیم، بیش از ده صفت و بیست مأموریت به شیطان نسبت داده شده است.

وقتی مجموعه عملکرد و تصرفات شیطان در انسان را بررسی کنیم، با دقت بیشتری رفتار می‌کنیم. وقتی بدانیم که یک دشمن دانا، باتجربه، پر قدرت، ما را همراهی می‌کند، بسیار حساس می‌شویم. در این صورت توجه بیشتری به تهذیب نفس می‌کنیم. پیروزی و برتری در این میدان جنگ، باعث مقامات و درجات عالی برای انسان است. اگر جنگ را احساس نکنیم، شکست می‌خوریم.

آمادگی و هوشیاری باعث پیروزی ما در این کارزار سخت است.

خطبه قاصعه (خطبه ۱۹۲ امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه) به این مطلب اشاره دارد. ایشان در این خطبه، از تشبیه معقول به محسوس جنگ شیطان با انسان را با ابزار و ادوات توضیح داده است.

### شیطان‌شناسی در قرآن

یک فصل شیطان‌شناسی در قرآن، کارکردها و فعالیت‌های شیطان است. اضلال (لغزاندن)، وعده دادن، فرمان دادن، مس «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»<sup>۱</sup>، تخویف (ترساندن)، تشویق و تحریک، هم‌نشینی، کید (خیانت)، تمنیه (برانگیختن آمال و آرزوها)، تزئین (تصرف در زیبایی و زشتی) «وَرَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ»<sup>۲</sup>، وسوسه (خیالات و

اعراف، آیه ۲۰۱<sup>۱</sup>

انعام، آیه ۴۳<sup>۲</sup>



## شماره ثبت: ۳۱۸۳

تحركات ظریف در وجود انسان، تفتین، نجوا، وحی (گفتگوی درونی شیطان با انسان)، کمین و... و نهایتاً ولایت از فعالیت‌های شیطان است.

جنبه اخلاقی این بحث این است که یک دشمن دانا و توانا همراه ماست. در همه‌ی لایه‌های زندگی و اعماق وجودمان تصرف می‌کند. این اخطارها، باید انسان را بیدار بکند. در بهترین کارها دخالت می‌کند. اگر کسی بخواهد ترقی کند، باید مراقب شیطان باشد.